

شاهد گردن نهان ایرانی‌ها به ضرورت میبازد با استبداد و زنی عجیب، شهادی بر گردن فرازی ایرانی‌ها در برابر تجدد و کار و عمل و تفکر ضروری آن آنگاه کنبه به روزی که قلیان‌ها در ایران شکسته شده و روزگار دیگری که قلیان در ایران مرکزیت یافت.

از آن عصر که بگذریم، سخن از اکتون جامعه ایرانی را باز هم نمی‌توان بی قلیان آغاز کرد و به انجام و فرجام رساند. جوانان امروزی فوج فوج دارنده صف صف کفن‌های حرفه‌ای می‌بوند می‌خورند. به جرات بتوان گفت از هر ۱۰ جوان ایرانی - چه دختر و چه پسر - هفت‌نای آنها قلیان کشی را خوش می‌دارند و این یعنی قلیان کشی و مناسک روز آمدش، دیگر بدل به فرهنگ بدنه جوان جامعه ایرانی - چه شهری و چه روستایی - شده است. این مسأله بی‌تردید علت‌های فراوانی دارد که البته تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران مملکت، چنان کاری‌ها به این علت‌ها اندازند، چه آن که آنها بیشتر نشان داده‌اند تا عمر کر بر معلول‌های خود در ده‌ها مارا دو آنگشت. شاهد مثال این حرف آزاد شدن و ممنوعیت صدباره قلیان کشی در همین قریب به دو دهه گذشته است. چرا کسی از علت‌ها چیزی نمی‌پرسد؟! جوانان ایرانی فرسوده و محفل و ضروری حقیقه شده به خود طی سالیان دراز را، با بیستون به صف قلیان کشی‌های حرفه‌ای، به جمع گرایشی و شیوع و شهبه‌های بدل می‌کنند که باسخی تخریبی است و نه تحلیلی. آنها به قهوه‌خانه‌ها و سفره‌خانه‌های می‌روند که در دل خیابان است اما یک در با آن فاصله دارد و همین امر حس امنیتی حقایق را به آنها می‌بخشد. در آن جاذبت‌های ایست، گرد هم جمع می‌شوند و کشتی‌هایی را تجربه می‌کنند. با از دست‌تجوی امتیاز وانی و اجتماعی، این اماکن را به مکان‌ها و اجتماعات دیگر ترجیح می‌دهند. احتمالاً بازار خود برسد به باشند که تراجم را چه باید بکنیم و خود پاسخ داده باشند: هیچ! اما در فقدان عمل ارتیش اجتماعی و فردی، فراغت و بطلان، تنها راه باقی مانده خواهد بود و اینچنین است که قلیان این بار هم نقشی اجتماعی را برای برمدان ما ایفا می‌کند اما نقشی وارونه و مستولان امر، تا امروز فقط و فقط به وارونه‌تر کردن مسأله کمک کرده‌اند لاغر!

مسعود رفیعی طالقانی
دبیر گروه طرح نو
Massrah@gmail.com

شهرهایی که مسافر آنها زندگی می‌کنیم حالا پر شده‌اند از قهوه‌خانه و سفره‌خانه‌های به اصطلاح سنتی! کالی است ناگهی گذرا به محله‌هایی که در آنها زندگی می‌کنیم بیندازد. هر چند که آنها دیگر تنها نام محله را بر خود دارند و از آن معنا تهی شده‌اند این نگاه گذرا موبد مدعای طرح شده در آغاز این نوشتار است. سفره‌خانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها هر دو، گرچه از سنتی که خود را منتسب به آن می‌خوانند، عاری هستند اما نام سنتی را بر خود دارند. انگار ایرانیان مدرن‌نسیم را ندیده، باقی‌شان یاد هندوستان کرده باشد: هوای سنت دارند اما هنوز دریغ آنجاست که نه آن را می‌شناسند و نه این را می‌بینند. راه نه آنست و نه این اسری به اطراف خود بچرخید، می‌بیند که از چه حرف می‌زنم، و قلیان: گل سرسید تمام کالاهای است که قهوه‌خانه‌ها و سفره‌خانه‌ها به مشتریان خود عرضه می‌کنند به قانون عرصه و تقاضا در اقتصاد که توجه کنید خواهیم فهمید که این عرضه حاصل تقاضایی است روزافزون، براه شاید نباشد اگر بگویم جوانان ایرانی ام از پسر و دختر، مستقانه و فرایند به کشیدن قلیان روی آورده‌اند! احتمالاً بتوانیم بگویم قلیان کشیدن، تفريح تمام عیار جوانان ایرانی است و همین اتفاق سبب می‌شود که بتوانیم قلیان را به عنوان یک مسأله در ایران مطرح کنیم: مسأله قلیان!

قلیان کشی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد اما بارزترین دوران آن عصر قاجار تجربه کرده است. یعنی همان گاهی که ایران با سرعنی فرایند ربه قهرای تاریخی خود می‌شکفت. غرب پیش می‌رفت و ما عقب می‌ماندیم و این حکایت همین طور تکرار می‌شد.

قلیان، خود هم در سیر اوج و حقیقت ایرانیان شریک بود. داستان روزگاری ایرانیان را از شکست تا در جنبشی اجتماعی شرکت‌کنند و یوز شاه‌دوران را به خاک بمانند و روزگاری آن را باز مبارک آورده بر صدر محافلش نشاندند و گردن حلقه زدند و به گفت‌وگو شدند بر داخند. قلیان گویا، شاهد تاریخ پس از آمدن مدرن‌نسیم به ایران باشد:

قلیان به مثابه یک مسأله!

چرا درصد بزرگی از جوانان ایرانی به قلیان کشی گرایش یافته‌اند؟



این قلیان، آن قلیان نیست!

هادی معتمدی
اسپیکر انجمن اجتماعی

قلیان یک ماده نیمه مخدر است و دارای ویژگی‌های خاصیت سیگار و تأثیرات بیشتر از آن را دارد زیرا دودی که از آن ساطع می‌شود در آب خیس می‌شود و رسوب عمیق‌تر و اثراتش مخرب‌تر است و احتمال سرطان در آن چندین برابر بیشتر از سیگار است. قلیان معمولاً به تنهایی کشیده نمی‌شود و یک نوع ماده مصرفی جمعی است. حالا این را می‌شود گذاشت کنار این که مسافران یک جامعه جوان هستیم که خیلی دور هم جمع می‌شوند و یکی از تفريحات ناسالمی که بر می‌گردد قلیان است که مصرف آن بیشتر حالتی جمعی را طلب می‌کند. ارزان بودن و در دسترس بودن قلیان در کنار جوان بودن جامعه ما سبب به گذشته در رواج آن تأثیر دارد. همچنین در جامعه ما یک نوع تفکر محفل رواج دارد که در اوقات فراغت به صورت گروهی و دوستی دور هم می‌نشینند و اهل ورزش و دوندن و کارهای تنهایی نیستند. نیمه مخدر بودن قلیان هم در کنار این عوامل آن را در جامعه جا انداخته است. قبح قلیان هم مثل خیلی از آسبج‌های اجتماعی در جامعه فعلی از بین رفته است. درست است که قلیان از قدیم هم در جامعه ما رواج داشته اما وضع کشیدن قلیان در شرایط کنونی جامعه هیچ‌گونه پیشینه‌ای ندارد و کاملاً بی‌ریشه است. زیرا قلیان در قدیم بیشتر بین خانم‌ها راج بود و مهمانی‌های زنانه دیده می‌شد یا در بین افراد مسن رواج داشت. در حالی که الان این طور نیست و افراد مسن و خانم‌ها سن بالا کمتر به آن گرایش دارند. زیرا تبلیغات سلطنتی و معضرات قلیان را در کرده‌اند. در مقابل در افراد سن پایین‌تر رواج دارد و این مسأله کاملاً بدون ریشه است. این که قلیان در فرهنگ گذشته بوده و رواج آن بی‌تأثیر نیست و محتایچه‌ها در بستوی خانم‌ها و انباری‌ها یا وقتی پدر بزرگ و مادر بزرگ از آن استفاده می‌کردند، قلیان کشیدن را دیده‌اند. همچنین رفت و آمد جوان‌ها به کشورهای عربی و ترکیه که قلیان در آن مناطق رواج دارد و قلیان‌هایی که بخش می‌شود در آنها همه در حال قلیان کشیدن هستند به رواج آن در جامعه ما کمک کرده است. ولی در مجموع مصرف قلیان نوعی ناخجاری اجتماعی است و گستردن آن در سال‌های آینده با ججز نای از سلطان‌های ربه مواجه خواهیم شد.